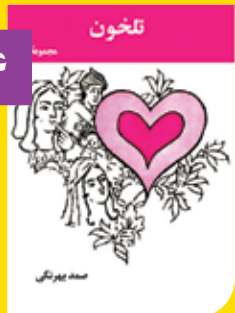


تلخون



■ نویسنده: صمد بهرنگی
■ آخرین چاپ: ۱۳۹۴
■ انتشارات: سمیر
■ تعداد صفحات: ۴۰

تلخون به هیچ یک از دختران مرد تاجر نرفته بود. ماه فرنگ، ماه سلطان، ماه خورشید، ماه بیگم، ماه ملوک و ماه لقا، شش دختر دیگر مرد تاجر، هر یک ادا و اطوارهایی داشت، تقاضاهایی داشت. وقتی می شد که به سر و صدای آنها پسران همسایه به در و کوجه می ریختند. صدای خنده شاد و هوسناک دختران تاجر ورد زبانها بود. خوش خوراکی و خوش پوشی آنها را همه کس می گفت...

۲۴ ساعت در خواب و بیداری



■ نویسنده: صمد بهرنگی
■ آخرین چاپ: ۱۳۹۴
■ انتشارات: سمیر
■ تعداد صفحات: ۴۸

داستان «۲۴ ساعت در خواب و بیداری» درباره پسر بچه‌ای به نام لطیف است که به همراه پدرش برای کار به تهران آمده‌اند و با دست‌فروشی و خیابان‌خوابی روزگار می‌گذرانند. لطیف هر روز عروسک شتری را از پشت ویترین یک مغازه اسباب‌بازی فروشی تماشا می‌کند. کم‌کم در خیالش با شتر دوست می‌شود و به او دل می‌بندد...

اولدوز و عروسک سخن گو



■ نویسنده: صمد بهرنگی
■ آخرین چاپ: ۱۴۰۰
■ انتشارات: گیوا
■ تعداد صفحات: ۸۰

من عروسک سخنگوی اولدوز خانم هستم. قصه من و اولدوز پیش از قصه «الدوز و کلاغ‌ها» روی داده، آن وقت‌ها که زن بابای اولدوز یکی دو سال بیشتر نبود که به این خانه آمده بود و اولدوز چهارپنج سال بیشتر نداشت. آن وقت‌ها من سخن گفتن بلد نبودم. ننه اولدوز مرا از چارقد و چادر کهنه‌اش درست کرده بود و از موهای سرش توی سینه و شکم و دست‌ها و پاهام تپانده بود. یک شب اولدوز مرا جلوش گذاشت و هی برایم حرف زد و حرف زد و درد دل کرد...

ناراحت و غصه‌دار است، عروسکش به سخن درمی‌آید و اولدوز و یاشار، پسر همسایه را به دنیای عروسک‌ها در جنگل می‌برد. زن بابا به عروسک اولدوز شک می‌کند و... داستان را به سمت دیگری می‌برد.

اما «اولدوز و کلاغ‌ها» نیز نام داستانی برای نوجوانان است که صمد بهرنگی است آن را سال ۱۳۴۷ منتشر کرد. نمایش «اولدوز و کلاغ‌ها» بر اساس این داستان با کارگردانی مرضیه برومند برای نخستین بار در سال ۱۳۵۹ در تئاتر شهر تهران به نمایش درآمد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «اولدوز نشسته بود تو اتاق. تک‌وتنها بود. بیرون را نگاه می‌کرد. زن باباش رفته بود به حمام. در را قفل کرده بود. به اولدوز گفته بود که از جاش جنب نخورد. اگر نه، می‌آید پدرش را درمی‌آورد. اولدوز نشسته بود تو اتاق. نگاه می‌کرد. فکر می‌کرد. مثل آدم‌های بزرگ تو فکر بود. جنب نمی‌خورد. از زن باباش خیلی می‌ترسید. تو فکر عروسک گنده‌اش هم بود. عروسکش را تازگی‌ها گم کرده بود. دلش آن قدر گرفته بود که نگو. چند دفعه انگشت‌هایش را شمرده. بعد یواشکی آمد کنار پنجره...»

عده‌ای صمد بهرنگی را به‌عنوان پایه‌گذار ادبیات کودک و نوجوان می‌شناسند. او طی سال‌های دهه ۵۰ از سرشناس‌ترین نویسندگان ادبیات داستانی کودک و نوجوان ایران بود. صمد در دوران زندگی کوتاه خود، بیش از ۲۰ قصه برای کودکان و نوجوانان به رشته تحریر درآورد. او در کنار نگارش کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان و ترجمه به گردآوری آثار مختلفی هم پرداخت. از جمله «پاره‌پاره‌ها» که گردآوری بود و در ۱۳۴۱ خورشیدی به نگارش درآمد.

قصه‌های صمد بهرنگی مردمی را ترسیم می‌کند که احساس زندگی و زنده‌ماندن در آنها سخت پابرجاست. بهرنگی، فردی شوخ‌طبع و حاضر جواب بود. او همیشه در میان مردم بود و قدرت این را داشت که در جمع تأثیر بگذارد. او خود را جزئی از جمع می‌دانست نه برتر از آن و نه جدا از آن. نفوذ و تأثیر صمد بهرنگی، تنها در حوزه ادبیات کودک و نوجوان محدود نشد و نویسندگان بزرگسال هم به تقلید از آثار او به خلق آثار مشابهی دست زدند که از آن جمله می‌توان به کتاب «و خاک تشنگی بود» اشاره کرد که تحت تأثیر «ماهی سیاه کوچولو» نوشته شد.

صمد بهرنگی نهم شهریور ۱۳۴۷ خورشیدی در حالی که تنها ۲۹ سال داشت و هنوز می‌توانست قصه‌های بسیاری برای کودکان و نوجوانان این سرزمین بنویسد، در رود ارس غرق شد. حدود یک ماه قبل از مرگ او، کتاب «ماهی سیاه کوچولو» چاپ شد:

خانه ماهی کوچولو و مادرش پشت سنگ سیاهی بود؛ زیر سقفی از خزه.

شب‌ها، دوتایی زیر خزه‌ها می‌خوابیدند. ماهی کوچولو حسرت به دلش مانده بود که یک دفعه هم که شده، مهتاب را توی خانه‌شان ببیند!

این بچه، یکی یک دانه بود چون از ده هزار تخمی که مادر گذاشته بود، تنها همین یک بچه، سالم درآمده بود.

چند روزی بود که ماهی کوچولو توفکر بود و خیلی کم حرف می‌زد. با تنبلی و بی‌میلی، از این طرف به آن طرف می‌رفت و برمی‌گشت و بیشتر وقت‌ها هم از مادرش عقب می‌افتاد. مادر خیال می‌کرد بچه‌اش کسالتی دارد که به زودی برطرف خواهد شد؛ اما نگو که درد ماهی سیاه، از چیز دیگری است...

هر روز عروسک شتری را از پشت ویترین یک مغازه اسباب‌بازی فروشی تماشا می‌کند. کم‌کم در خیالش با شتر دوست می‌شود و به او دل می‌بندد. در پایان داستان مرد پولداری شتر را برای دخترش می‌خرد. لطیف برای این که نگذارد شترش را ببرند با مرد درگیر می‌شود و از او کنک می‌خورد و آرزو می‌کند ای کاش مسلسل پشت ویترین مال او بود تا...

«افسانه‌های آذربایجان» کتاب دیگر صمد بهرنگی است که روایت داستان چند تن از قهرمانان و چهره‌های مشخص افسانه‌هاست. در ابتدای این کتاب مقدمه‌ای از صمد منتشر شده که افسانه و داستان‌های فولکلور آذربایجان را توضیح می‌دهد. او این داستان‌ها را به سه دسته تقسیم کرده و درباره سمبل‌ها و نمادها در این افسانه‌ها سخن می‌گوید. کتاب شامل مجموعه داستان‌ها و افسانه‌هایی است که در گذشته و حال هنگام خواب برای کودکان نقل می‌شود. کچل، وزیر، دیو، روباه و گرگ چند تن از مهم‌ترین شخصیت‌ها و قهرمانان این داستان‌ها به شمار می‌آیند.

بهرنگی کتاب «افسانه محبت» را در سال ۱۳۴۶ به چاپ رساند. نویسنده در این کتاب مانند دیگر آثار خود یک موضوع فلسفی مهم را در دل یک داستان کودکانه گنجانده و سعی دارد تا از این طریق مسائلی مهم را با زبانی ساده و قابل درک به مخاطبان خود انتقال دهد، به امید آنکه شاید به تحولاتی مثبت در درون آنها بیانجامد. افسانه محبت روایتگر عشق پسری چوپان نسبت به دختر پادشاه است:

«اول دفعه‌ای که دختر هوس ال‌کدولک بازی کرد، پادشاه تمام زرگرهای شهر را جمع کرد و امر کرد که تا یک ساعت دیگر باید ال‌کدولک طلا و نقره‌ای دخترش حاضر شود. این ال‌کدولک صد هزار تومان بیشتر خرج برداشت. یک زرگر هم سر همین کار کشته

شد. چون که گفته بود کار واجبی دارد و نمی‌تواند بیاید. زرگر داشت برای دختر نوزاد خود گوشواره درست می‌کرد...»

«کچل کترباز» نیز ماجرای پسر جوان کچلی است که به همراه ننه پیرش، یک بز و تعدادی کفتر زندگی می‌کند و وضعیت مالی خوبی هم ندارند. در این داستان به ماجرای کچل و عشق دختر پادشاه به او پرداخته می‌شود و می‌توان قصه را منتقد شرایط اقتصادی جامعه و اختلاف طبقاتی دانست:

«... پیرزن صبح تا شام پشت چرخ پشم‌ریسی‌اش می‌نشست و پشم می‌رشت. مادر و پسر، این جوری زندگی‌شان را درمی‌آوردند. خانه پادشاه روبه‌روی خانه این‌ها بود. عمارت بسیار زیبایی بود که عقل از تماشای آن حیران می‌شد. دختر پادشاه عاشق کچل شده بود. هر وقت که کچل پشت‌بامشان کفتر می‌پراند دختر هم با کلفت‌ها و کنیزهاش به ایوان می‌آمد و تماشای کفتر بازی کچل را می‌کرد، به سوتش گوش می‌داد. گاهی هم با چشم و اشاره چیزهایی به کچل می‌گفت. اما کچل اعتنایی نمی‌کرد. طوری رفتار می‌کرد که انگاری ملتفت دختر نیست. اما راستش، کچل هم عاشق بی‌قرار دختر پادشاه بود؛ ولی نمی‌خواست دختر این را بداند...»

«اولدوز و عروسک سخنگو» داستانی کودکانه دیگری از صمد بهرنگی است که پاییز ۱۳۴۶ انتشار یافت. اولدوز با زن بابای بی‌عطف‌اش زندگی می‌کند. تنها کسی که اولدوز می‌تواند با او بازی کند، عروسک بزرگش است. روزی که او از کشتن گاوش بسیار



عده‌ای صمد بهرنگی را به‌عنوان پایه‌گذار ادبیات کودک و نوجوان می‌شناسند. او طی سال‌های دهه ۵۰ از سرشناس‌ترین نویسندگان ادبیات داستانی کودک و نوجوان ایران بود. صمد در دوران زندگی کوتاه خود، بیش از ۲۰ قصه برای کودکان و نوجوانان به رشته تحریر درآورد